تمایز شهرگرایی و شهرنشینی

بررسی شهرگرایی در مناطق کردنشین ایران، با تأکید بر شهر سردشت

حمیدرضا جلائی‌پور،* جمال عبداله‌پور**

چکیده

هدف این جستار این است که نشان دهد با توجه به رشد فزایندهٔ شهرنشینی در شهر سردشت، ساکنان این شهر تا چه حد شهرگرا هستند و رشد شهرگرایی آن‌ها از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد. از دیدگاه جبرگرایی، با توجه به افزایش شهرنشینی در این شهر می‌توان فرض کرد ساکنان آن دارای شیوهٔ زندگی شهرگرایی هستند، اما میزان آن در همهٔ افراد یکسان نیست و بر اساس دیدگاه ترکیبی بسته به ویژگی‌های افراد میزان شهرگرایی آن‌ها متفاوت است. مطالعهٔ ما به روش پیمایشی انجام شده است و داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر افراد از نظر میزان شهرگرایی در وضعیت متوسط قرار دارند. همچنین تعداد افرادی که شهرگرایی پایینی دارند یا به عبارتی دیگر، شهرگرا نیستند، کم نیست و از میان ویژگی‌های افراد بیشتر متغیرهای سن، سابقهٔ زندگی در روستا و سطح تحصیلات قادرند تغییرات شهرگرایی را تبیین کنند. ارزش این مطالعه از آن جهت است که می‌توان بر اساس نتایج آن وضعیت یکی از متغیرهای مهم توسعه‌یافتگی، مانند شهرنشینی و پیامدهای آن، را در شهرهای مناطق کردنشین روشن کرد.

کلیدواژه‌ها: شهرنشینی، شهرگرایی، دیدگاه جبرگرایی، دیدگاه ترکیب‌گرایی.

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران h_jalaeipour@hotmail.com

** کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه تهران j_abdollahpour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱۷ **تاریخ پذیرش:** ۹۰/۶/۱

مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰، صص۷-۳۷

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

۱. مقدمه

شیوه‌های زندگی در شهر به لحاظ برخورداری شهر از ویژگی‌هایی نظیر جمعیت زیاد، تراکم، تنوع عوامل نژادی و فرهنگی، تحرک اجتماعی، تخصصی‌شدن مشاغل، اقتصاد پولی، وسایل آسان ارتباطات و رفت و آمد، ناپایداری جمعیت و محرکه‌های شهری از قبیل سروصداها و زرق و برق شهر در کانون اندیشه و پژوهش جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان شهری قرار گرفته است. در این میان، گروهی از اندیشمندان نظیر ابن خلدون (بعلی، ۱۳۸۲)، مین، تونیس، دورکیم، زیمل، پارک، اسپایکمن و ورت معتقدند که شهر، به‌ویژه در زمینهٔ رفتارها و روابط اجتماعی، دربردارندهٔ شیوهٔ زندگی خاصی است که متمایز از شیوه‌های زندگی در دیگر مکان‌ها نظیر روستاست (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹). لویی ورت (۱۹۳۸) این شیوهٔ زندگی ویژهٔ شهر را شهرگرایی (urbanism) می‌نامد. شهرگرایی ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیوهٔ زندگی ساکنان شهر را در برمی‌گیرد و گویی مرحلهٔ نهایی و نتیجهٔ شهرنشینی (urbanization) است و برخلاف شهرنشینی صرفاً یک روند رشد شهری نیست (شکوئی، ۱۳۷۳: ۷۷). به‌تدریج به علت شهرنشینی نسبت جمعیت شهرنشین و شبکه‌های ارتباطی، فعالیت‌های اقتصادی، سازمان‌های سیاسی و اداری در مناطق شهری گسترش پیدا می‌کند (نقدی، ۱۳۸۲: ۲٤).

کیوس در *دایرةالمعارف شهر* اشاره می‌کند که شهرگرایی به عنوان «شیوهٔ زندگی» شامل روابط اجتماعی، نهادها، نگرش‌ها و ایده‌هایی است که به‌ویژه در شهرها ظاهر می‌شود. تعداد زیادی از متخصصان امور شهری بحث کرده‌اند که زندگی در شهرها با زندگی بیرون از آن‌ها متفاوت است. مثلاً لویی ورت به نسبت کمتر روابط نخستین و اولیه در میان مردم و تکیه بر کنش متقابل غیرشخصی به جای روابط شخصی در شهرها اشاره کرده است (کیوس، ۲۰۰۵: ۵۰۱). شهرگرایی به کیفیت متمایز اجتماع انسانی، یک شیوهٔ اختصاصی زیست یا شیوهٔ زندگی که ویژگی شهر است اشاره می‌کند. بر اساس نوشته‌های جامعه‌شناسان برجسته‌ای چون زیمل، سوروکین و زیمرمان، پارک، اسپایکمن و ورت بر شمار کم و بیش مشترکی از ویژگی‌های شهرگرایی به عنوان یک شیوهٔ زندگی تأکید می‌شود (کولب، ۱۹٦٤: ۷۳۸). لویی ورت در مقاله‌هایش «شهرگرایی به‌عنوان شیوه‌ای از زندگی» (۱۹۳۸) و «تفاوت‌های روستایی شهری» (۱۹٦٦) تلاش می‌کند شهر را شکل ویژه‌ای از روابط انسانی توصیف کند. گاتینر و بود

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

شهرگرایی را یک شیوهٔ زندگی می‌دانند که با صفات تراکم، تنوع و سازمان اجتماعی پیچیده مشخص می‌شود. این دو می‌گویند که این اصطلاح امروزه اغلب به معنی فرهنگ شهرهاست (گاتینر و بود، ۲۰۰۵: ۱۸٦).

گاتینر و هاچیسان بیان می‌کنند که برخلاف شهرنشینی که اشاره به شکل‌گیری شهر یا روندهای ساخت شهری است، شهرگرایی پروسه‌های شکل‌گیری شهر را قطعی می‌پندارد و در عوض، فهم و درک شیوه‌های زندگی را که از شهرنشینی سرچشمه گرفته‌اند جستجو می‌کند (گاتینر و هاچیسان، ۲۰۰٦: ٤٥). شارع‌پور اظهار می‌کند که بایستی بین دو مفهوم شهرنشینی و شهرگرایی تفاوت قائل شد. منظور از شهرنشینی، تعداد افراد ساکن در مناطق شهری و منظور از شهرگرایی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زندگی در مکان شهری است؛ یعنی همان الگوها و رفتارهای مرتبط با زندگی در شهر که دربردارندهٔ تغییر در ارزش‌ها، آداب و رسوم و رفتارهای مردم است. به طور کلی، می‌توان گفت که شهرگرایی شیوهٔ زندگی ویژه‌ای است که در بستر شهر و شهرنشینی به‌وجود می‌آید (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳). ورت معتقد است که شهرگرایی به مکان‌های خاصی محدود نشده، بلکه در هر مکانی که اثرات شهر به آن رسیده باشد به درجات متفاوت دیده می‌شود، اما مکان بروز واقعی و گسترهٔ آن، شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرهاست (ورت، ۱۹۳۸: ۷). در مجموع می‌توان گفت شهرگرایی نوعی شیوهٔ زندگی ویژه است که در بستر شهر و شهرنشینی رخ می‌دهد و در ابعاد مختلف آن، به‌ویژه در زمینهٔ رفتارها و روابط اجتماعی، با دیگر شیوه‌های زندگی غیرشهری متفاوت است. این شیوه، نظر به پیامدهای منفی آن بر شهرنشینان، توجه اندیشمندان و پژوهشگران متعددی را در حوزهٔ مسائل شهری، به‌ویژه در زمینهٔ روابط اجتماعی به خود معطوف کرده است؛ زیرا این شیوه و سبک زندگی، همان‌طور که اشاره شد، بیشتر مبتنی بر انزوای انسان‌های شهرنشین و کاهش روابط اجتماعی است که این خود می‌تواند مسائل متعددی را در حوزهٔ روانی و اجتماعی رقم بزند.

رشد شهرنشینی در مناطق کردنشین ایران، و به‌عنوان نمونه شهر سردشت، با توجه به اینکه در چنین مناطقی آموزه‌های دینی اسلامی و سنتی تأکید فراوانی بر همکاری و همیاری، گسترش روابط اجتماعی و حس دلسوزی و توجه به سایر افراد و مواردی نظیر این در خصوص رفتارها و روابط اجتماعی دارند و خصوصاً اینکه رشد شهرنشینی بیشتر ناشی از مهاجرت روستاییان به شهر به‌ویژه در اثر جنگ تحمیلی بوده که شیوه‌های زندگی جمعی و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

همیاری متقابل از خصوصیات برجستهٔ زندگی روستایی در ایران و مناطق کردنشین است، محققان شهری را بر آن می‌دارد تغییرات به‌وجودآمده در چنین روندی را که ممکن است به شهرگرایی بینجامد و آثار متعددی را از خود برجای بگذارد رصد کنند و در صورت لزوم راهکارهای علمی و عملی را برای کاهش تبعات منفی آن ارائه دهند.

سردشت در جنوب غربی استان آذربایجان غربی با رشد فزایندهٔ شهرنشینی روبه‌رو است. با تأسیس سازمان شهرداری در سال ۱۳۲۹ و فرمانداری در سال ۱۳٤٦ (ایمان و محمدپور، ۱۳۸۳: ۳۰) جمعیت شهر سردشت از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، همان‌طور که در نمودار شمارهٔ یک مشاهده می‌شود، همواره روندی صعودی داشته است. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت این شهر در سال ۱٤۰۰ به ٤٦۵۰۰ نفر افزایش یابد (فهر، ۱۳۸٦: ۲۰۹).

نمودار ۱. روند رشد جمعیت شهر سردشت از سال ۳۵-۱۳۸۵ (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن)

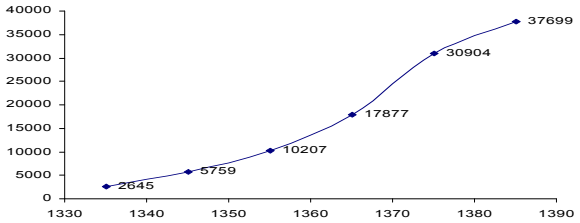

افزایش جمعیت در سردشت به گسترش فیزیکی شهر منجر شده است. مساحت شهر در سال‌های ۱۳٤٤ (حدود چهارصدهزار متر مربع)؛ ۱۳٦۹ (حدود یک میلیون و پانصد هزار متر مربع) و در سال ۱۳۸۱ به بیش از سه میلیون و پانصد هزار متر مربع افزایش یافته است (خضری، ۱۳۸۵: ۱۱۸). از دههٔ هفتاد به بعد، مناطق جدیدی، مانند شهرک فرهنگیان و شهرک جانبازان و ...، به‌وجود آمده است. همچنین روستای شیوه‌ابراهیم در شهر ادغام شده است و در سال‌های آینده با توجه به گسترش شهر به سمت روستای مارغان در جنوب شرقی شهر، شاهد ادغام این روستا نیز در شهر سردشت خواهیم بود. اسکان جمعیت شهر در آینده و مکان‌یابی بهینه برای توسعهٔ شهر سردشت به معضل برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است (خضری، ۱۳۸۵ و فهر، ۱۳۸٦). وجود دو دانشگاه پیام‌نور و آزاد اسلامی، افزایش پاساژهای تجاری، انجمن‌های غیردولتی، افزایش ساختمان‌های چند طبقه، افزایش و تراکم مسکن، حجم بالای تردد افراد در

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

داخل شهر و وجود افراد گوناگون با پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت و همچنین افزایش سروصدا و سایر محرکه‌های شهری نظیر تردد زیاد وسائل نقلیه در سطح شهر و زرق و برق شهری و مواردی نظیر آن از دیگر ویژگی‌های ریخت شهری و شهرنشینی در سردشت است.

اینک با توجه به روند روزافزون شهرنشینی در شهر سردشت، این سؤال پیش می‌آید که ساکنان شهر سردشت تا چه حد شهرگرا هستند یا به عبارتی دیگر، شیوهٔ زندگی آن‌ها در حوزهٔ رفتارها و روابط اجتماعی تا چه حد دارای ویژگی‌های شهرگرایی است و میزان شهرگرایی آن‌ها از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد؟ تحقیقاتی که دربارهٔ تحولات شهر سردشت بعد از شهرنشینی انجام شده (خضری، ۱۳۸۵ و فهر، ۱۳۸٦) به بُعد کمّیِ شهر و ارائه راهکارهای اسکان جمعیت و مکان‌یابی بهینه (ایمان و محمدپور، ۱۳۸۳) و فرایند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی (حکیم‌زاده، ۱۳۸۳) و بررسی سردشت در آیینهٔ اسناد تاریخی پرداخته‌اند و در زمینهٔ شهرگرایی یا شیوهٔ زندگی شهری در این شهر تحقیقی انجام نشده است. این موضوع همانند دیگر ابعاد فیزیکی و تاریخی شهرنشینی از اهمیت برخوردار است و بررسی آن می‌تواند ما را در شناخت بهتر محتوای فرهنگی شهر سردشت و مسائل ناشی از این شیوهٔ زندگی یاری رساند.

۲. دیدگاه نظری

«جامعه‌شناسی صرفاً پدیده‌های اجتماعی را توصیف نمی‌کند، بلکه در پرتو نظریه‌هایش به تبیین پدیده‌ها نیز می‌پردازد تا امکان نگاه ژرف‌تر به جامعه و مسائل آن را برای ما فراهم کند» (جلائی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۰). از این رو، در راستای توصیف وضعیت شهرگرایی، به این معنا که شیوه‌های زندگی شهرنشینان شهر سردشت تا چه حد از ویژگی‌های شهرگرایی تبعیت کرده، ابتدا شاخص‌های شهرگرایی با استفاده از نظریات مشخص شده، سپس از طریق آن دسته از نظریات که به تبیین شهرگرایی و شیوه‌های زندگی شهری پرداخته‌اند، عوامل تأثیرگذار انتخاب و فرضیات درباب تبیین وضعیت شهرگرایی شهرنشینان در این شهر ارائه شده است. دیدگاه‌های نظری دربارهٔ شیوه‌های زندگی شهری را می‌توان به سه رویکرد جبرگرایی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

(اکولوژیکی)، ترکیبی و خرده‌فرهنگی تقسیم کرد (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹؛ شارع‌پور، ۱۳۸۷). در ادامه به ارائه این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. رویکرد جبرگرایی (اکولوژیکی)

مهم‌ترین و بانفوذترین نظریه در مورد شیوه‌های زندگی شهری و شهرگرایی، دیدگاهی است که غالباً آن را دیدگاه جبرگرایی یا نظریهٔ اکولوژیکی و گاهی نظریهٔ آنومی شهری نامیده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹). این رویکرد از منظر نظریه‌پردازان به دلیل متغیرهای اکولوژیکی، نظیر جمعیت زیاد و متراکم، عدم تجانس ساکنان، اقتصاد پولی، وسایل آسان ارتباطات و رفت و آمد و محرکه‌های شهری بر شیوهٔ زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که زندگی شهرنشینان با ساکنان دیگر مکان‌ها مثل روستا متفاوت باشد. یعنی در بین شهرنشینان شیوهٔ زندگی ویژه‌ای تحت عنوان شهرگرایی وجود دارد. بنابراین، در این دیدگاه، خود شهر با توجه به ویژگی‌هایی که دارد باعث می‌شود که شیوهٔ زندگی موجود در آن از شیوه‌های زندگی در دیگر مکان‌ها متمایز باشد. محققان این رویکرد هرکدام به ارائهٔ ویژگی‌های شهرگرایی در حوزهٔ رفتارها و روابط اجتماعی پرداخته و تأثیرات شهر را در این حوزه نشان داده‌اند، که همچنان که گولد و کولب ذکر کرده‌اند، این ویژگی‌ها کم و بیش مشترک‌اند و می‌توانند شاخصی برای توصیف شهرگرایی در نظر گرفته شوند (گولد و کولب، ۱۹٦٤: ۷۳۸).

فردیناند تونیس در کتاب کلاسیک خود با عنوان *اجتماع و جامعه* (۱۸۸۷) به تقابل دو نوع زندگی اجتماعی گماین‌شافت یا اجتماع، که ویژگی اجتماعات کوچک است، و گزل‌شافت یا جامعه، که ویژگی شهرهای بزرگ است، پرداخت. به اعتقاد او، در روستا زندگی اجتماعی شبیه به یک ارگانیسم زنده است که مردم در آن دارای اهداف مشترکی هستند و پیوندهای شدیدی بین آن‌ها وجود دارد. اما در شهر، زندگی اجتماعی به صورت یک تجمع مکانیکی مملو از فردگرایی، خودپرستی و حتی خصومت است. بدین ترتیب، تونیس به تفاوت زندگی در جوامع روستایی با جوامع شهری می‌پردازد. گماین‌شافت نوعی زندگی عمیق و پرمعناست و گزل‌شافت نوعی زندگی سطحی و گذراست. به تعبیر تونیس، شهر معرف گزل‌شافت است. در گماین‌شافت روابط مبتنی بر منزلت است اما در گزل‌شافت، روابط مبتنی بر قرارداد است. در گماین‌شافت، کنترل اجتماعی افراد بر اساس تعلق آنان به گروه است، ولی در گزل‌شافت

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

چون فرد بریده از قید و بندهای گروه است، کنترل اجتماعی به‌وسیلهٔ عامل بیرونی صورت می‌گیرد؛ یعنی به‌وسیلهٔ قوانین و مجازات یا قرارداد (فلاناگان، ۱۹۹۹؛ به نقل از شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۱-۱۱۲). به اعتقاد تونیس، ویژگی‌های گماین‌شافت عبارت است از: وجود سنت‌های مشترک، روابط صمیمی، وجود دشمن و دوست مشترک و احساس خودی. پس گماین‌شافت، نوعی انسجام اجتماعی مبتنی بر احساسات و اهداف مشترک است که ویژگی آن وجود تعامل چهره به چهره بین کسانی است که تجربیات مشترکی دارند. در این سازمان اجتماعی افراد به‌ندرت از هنجارهای اجتماعی تخطی می‌کنند، در آن وفاق اجتماعی زیادی وجود دارد و نهادهای غیررسمی مثل خانواده و گروه همسالان بر رفتار افراد حاکمیت و سلطه دارند. در مقابلِ ویژگی‌های گماین‌شافت، گزل‌شافت مبتنی بر رفتار عقلانی و حسابگری مردم و به فکر منافع خود بودن و روابط بدون عواطف بشری و صمیمیت است (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در مجموع، می‌توان گفت که بنا به نظریهٔ تونیس در مورد شیوهٔ زندگی شهری، یا به تعبیر لویی ورت، شهرگرایی، در این شیوه، روابط اجتماعی مبتنی بر کارآیی و عقلانیت است. این روابط سطحی و خالی از عاطفه، صمیمیت، و کنش‌های متقابل اجتماعی است و کنترل اجتماعی افراد از خلال کمک‌های نهادی (رسمی) صورت می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۷۵).

زیمل معتقد است انسان شهری مانند فرد در محیط روستایی نیست که بر مبنای احساس و عاطفه با دیگران ارتباط برقرار کند و به جای واکنش عاطفی اصولاً به شیوه‌های عقلانی واکنش نشان می‌دهد (زیمل، ۱۹۶۹: ٤٨). به نظر او، انسان‌های شهری وقت‌شناس و حسابگر، بی‌تفاوت (دلزده) در برابر محرک‌های بی‌شمار محیط شهری، دارای گرایش ذهنی مبتنی بر رفتاری احتیاط‌آمیز، تودار و خویشتن‌دار، بی‌خبر از همسایه‌ها و سرد و خشک هستند. توداری، همراه با احساس تنفر مخفی، ویژگی عام کلان‌شهری تلقی می‌شود که در عین حال این ویژگی میزانی آزادی شخصی به افراد می‌بخشد که در هیچ محیط دیگری مشاهده نمی‌شود (همان: ٥٤-٥١). ممتاز می‌گوید «در این‌جا زیمل به مسئلهٔ بزرگی گروه توجه دارد و معتقد است بزرگی گروه رابطهٔ مستقیم با کاهش نظارت غیررسمی بر رفتار دارد» (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

نیکلاس اسپایکمن، از دیگر محققانی که دارای رویکرد جبرگرایانه در مورد زندگی شهری است، معتقد است که در الگوی رفتار اجتماعی در شهر، به لحاظ ساختاری (اجتماعی)، تعداد زیاد، گروه‌های ثانوی، اتحادیه‌ها و تماس‌های زودگذر بر تعداد کم، گروه‌های اولیه، اجتماعات و روابط دائمی غلبه دارد. در همین الگو به لحاظ رفتاری (فردی) آزادی، فردیت، عقل‌گرایی، رسمیت، عمومیت و خودنمایی بر محدودیت، همنوایی با جمع، احساسات، صمیمیت و تواضع غلبه دارد (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹: ۲۰۵-۲۰٤).

به نظر پارک وسائل آسان رفت و آمد و ارتباطات که افراد را به توزیع توجهشان و زندگی هم‌زمان در دنیاهای مختلف قادر می‌سازد، گرایش به از بین بردن پایداری و صمیمیت همسایگی دارند (پارک، ۱۹٦۹: ۹۸). در شهر تلاش برای تأمین منافع شخصی، زایل‌کنندهٔ رفتار احساسی است و پول وسیله‌ای اصلی است که به‌واسطهٔ آن، ارزش‌ها عقلایی‌شده و منافع جایگزین احساسات می‌گردد (همان: ۱۰٤). رشد شهرها با جایگزینی روابط غیرمستقیم و ثانوی به جای روابط رو در رو و اولیه در همکاری‌های افراد در جامعه همراه است. در شهر کنترل اجتماعی، که قبلاً بر اساس ارزش‌های اخلاقی بود، با کنترل بر اساس قانون مثبت، جایگزین روابط اولیه شده است (همان: ۱۱۵-۱۱۰). در آزادی موجود در شهر هر فردی با هر درجه‌ای از غریبه بودن می‌تواند محیطی برای خود فراهم کند که در آن احساس آزادی کند (همان: ۱۲۷-۱۲٦).

ورت از جمله نظریه‌پردازان دیدگاه جبرگرایی است که بیشترین انتقادات برضد شهرگرایی علیه نظریات وی مطرح شده است. به نظر او، سه متغیر کلیدی شهرها ـ اندازهٔ جمعیت بزرگ، تراکم جمعیت و ناهمگنی اجتماعی ـ در رشد شیوهٔ زندگی شهری ویژه و ایجاد یک شخصیت متمایز در بین ساکنان شهر سهم تعیین‌کننده‌ای دارد (لی‌گیتس و فردریک، ۲۰۰۷: ۹۰). ورت معتقد است که هرچه جمعیت بیشتر، متراکم‌تر و دارای ناهمگونی بیشتر باشد، خصوصیات مربوط به شهرگرایی بیشتر خواهد بود (ورت، ۱۹۳۸: ۸). افزایش شمار ساکنان در یک مکان فراتر از حد معین، بر روابط بین آن‌ها و خصوصیات آن شهر تأثیر می‌گذارد. قیدهای خویشاوندی، مناسبات همسایگی و سایر عواطفی که ممکن است در بین افراد یک اجتماع سنتی و قومی وجود داشته باشد در شهر وجود ندارد یا در بهترین حالت ضعیف است. در شهر روابط بیشتر از نوع ثانوی هستند تا اولیه؛ تماس‌ها در شهر ممکن است

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

چهره به چهره باشد اما غیرشخصی، سطحی، گذرا و جزئی است؛ شهرنشینان در روابطشان نگاه‌های بی‌تفاوت و بیزار نشان می‌دهند، روابط شهری عقلانی و منطقی است؛ انسان شهری، از یک طرف، میزان مطمئنی از آزادی یا رهایی از نظارت‌های شخصی و عاطفی گروه‌های صمیمی را به دست می‌آورد و از طرف دیگر، بیان طبیعی اخلاقی و احساس مشارکت را، که از زندگی کردن در جامعه‌ای منسجم به دست می‌آید، از دست می‌دهد. تراکم جمعیت، سبب به وجود آمدن تفاوت‌ها و تخصصی‌شدن می‌گردد. در یک جامعهٔ متراکم وسیع کنترل رسمی جایگزین کنترل غیررسمی می‌شود. پیامد افزایش تراکم جمعیت فاصلهٔ اجتماعی و تنهایی است. وقتی که عدهٔ کثیری افراد ناهمگن در جایی اجتماع کنند، فرآیند غیرشخصی‌شدن پدیدار می‌شود و روابط پولی جایگزین روابط شخصی می‌شود (همان، ۱۸-۱۰).

در مجموع، بر اساس نظریات رویکرد جبرگرایی، می‌توان گفت که بستر شهر و شهرنشینی با توجه به عوامل و ویژگی‌های مرتبط با آن، شیوهٔ زندگی شهرگرایی مبتنی بر ویژگی‌های خاص ذکرشده را به وجود می‌آورد و در واقع، این شیوهٔ زندگی حاصل جبر محیط شهری است.

۲-۲. رویکرد ترکیبی

تعداد قابل توجهی از محققان دیدگاه جبرگرایی را مورد نقد قرار داده و به دیدگاهی ترکیبی روی آورده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹: ۲۰٦). ترکیب‌گرایان، مانند جبرگرایان، تفکیک شدید بین شهر و روستا را به‌عنوان دو عنصر مخالف نپذیرفته‌اند و معتقدند که اصولاً مقایسه‌ای این‌چنین سخت و قاطع بین ویژگی‌های شهر و روستا ممکن نیست. البته ترکیب‌گرایان به تفاوت‌های روانی ـ اجتماعی شهریان و روستاییان واقف و معترف‌اند، اما آن را حاصل عواملی نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد، نوع شغل و پیشینهٔ افراد می‌دانند و نه ناشی از نوع زندگی شهری. یعنی شیوه‌های عمدهٔ زندگی که در شهرها یافت می‌شود منحصر و محدود به شهر نیست و هر جای دیگری نیز می‌توان آن را پیدا کرد (صدیق سروستانی،۱۳۷۱: ۲۵-۲٤). نظریهٔ ترکیبی بر وجود پیوندهای اجتماعی قوی و گروه‌های به‌هم‌پیوستهٔ متعدد در میان شهریان تأکید می‌کند و مانند جبرگرایی نیست که بیان کند که در شهر فقط شهرگرایی حاکم است (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹). پال بر اساس

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

مطالعات تجربی انجام شده که متفاوت با دسته‌بندی‌های دو قطبی[1] بعضی از جبرگرایان دربارهٔ شهر و غیرشهر است، معتقد به پیوستار روستایی ـ شهری[2] است که این پیوستار از واکنش علیه دسته‌بندی‌های دو قطبی برخاسته است (پال، ۱۹۶۹: ۲۹۳). مطالعات تجربی دیگری نیز وجود دارد که بیانگر شیوه‌های زندگی مورد نظر جبرگرایان در شهرهای کوچک و روستاهاست (ساوج و وارد، ۱۳۸۰: ۱۳۹؛ گیدنز، ۱۳۸۳: ٦۱۱). به‌طور کلی، در دیدگاه ترکیبی، شهرنشینی (به معنای فرآیند شهرشدن یک منطقه) لزوماً با شهرگرایی (به معنای شیوهٔ خاصی از زندگی) همراه نیست (ماسیونیس و پاریللو، ۲۰۰۱). از جمله نظریه‌پردازان این دیدگاه، لوئیس، استون، دانکن، رایز، وایت، ستلز، ژاکوبز و گنز هستند (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹).

گنز، به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان تأثیرگذار در این رویکرد، در پی نقد و بررسی شهرگرایی ورت، در مقاله‌اش تحت عنوان «شهرگرایی و حومه‌گرایی به‌عنوان شیوه‌های زندگی» به این موضوع می‌پردازد که دیدگاه اکولوژیکی برای تبیین شیوه‌های زندگی دقیق نیست. وی معتقد است که شیوهٔ زندگی شهری (شهرگرایی) مورد نظر ورت فقط ـ البته نه زیاد ـ در میان ساکنان داخل شهر وجود دارد و بقیهٔ ساکنان شهر، مثل حومه‌نشینان، شیوهٔ زندگی متفاوتی را دنبال می‌کنند (گنز، ۱۹٦۹: ۹۷). گنز برخلاف ورت، اقشار گوناگون مردم را در شهرها مورد مطالعهٔ تجربی قرار می‌دهد و معتقد است که در شهر شیوه‌های مختلف زندگی وجود دارد. او پنج گروه اجتماعی (جهان‌وطنان، مجردان یا بی‌بچگان، روستاییان قوم‌گرا، محروم‌شدگان و در تله افتادگان) را در شهرهای امریکا بررسی می‌کند تا شیوه‌های مختلف زندگی را در شهر نشان دهد و اینکه چگونه می‌توان این شیوه‌های متفاوت را تبیین کرد. گروه اول با همسایگان خود ارتباطی ندارند و برای خلوت و خصوصیت زندگی خود ارزش زیادی قائل هستند و سطحی‌ترین تماس‌ها را با همسایگان خود دارند. گروه دوم به دلیل مرحلهٔ چرخهٔ زندگی‌شان که آزاد از مسئولیت‌های خانوادگی متضمن برخی روابط با ناحیهٔ محلی هستند، با همسایگان ارتباطی ندارند. گروه سوم، گروه‌های قومی هستند که در داخل شهر زندگی می‌کنند. شیوهٔ زندگی آن‌ها، همان شیوهٔ زندگی‌شان در روستاهای قبلی است. آن‌ها بر خویشاوندی و گروه‌های اولیه تأکید دارند و در بین آن‌ها گمنامی و تماس‌های گروه ثانوی

[1] Polar – type dichotomies
[2] Rural–urban continuum

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

وجود ندارد؛ در نتیجه شیوهٔ زندگی‌شان با شهرگرایی ورت متفاوت است. گروه چهارم و پنجم، اغلب از مساکین، معلولان، مطلقه‌ها و بیوگان و سیاهان خرابه‌نشین و آلونک‌نشین‌ها تشکیل می‌شوند. گنز می‌گوید «این پنج گروه همه در محیط‌های متراکم و ناهمگون زندگی می‌کنند. همچنین آن‌ها چنان شیوه‌های زندگی متنوعی دارند که فهمیدن اینکه چطور تراکم و ناهمگونی می‌تواند تأثیری مشترک و عمومی را اعمال کند سخت است». گنز معتقد است شرایط اقتصادی، ویژگی‌های فرهنگی، مراحل چرخهٔ زندگی و ناپایداری محل اقامتی، شیوه‌های زندگی را به‌طور رضایت‌بخش‌تری از تعداد، تراکم و ناهمگنی تبیین می‌کنند. او می‌گوید «مفاهیم اکولوژیکی تعداد، تراکم و ناهمگنی برای تبیین پدیده‌های اجتماعی کافی نیستند، زیرا این پدیده‌ها به تنهایی نمی‌توانند به‌عنوان نتایج روندهای اکولوژیکی فهمیده شوند و بنابراین، بایستی دیگر تبیین‌ها در نظر گرفته شوند». از این رو، او اهمیت بیشتری را برای ویژگی‌ها در تبیین شیوه‌های زندگی در شهر قائل است؛ هرچند بیان می‌کند «مسلماً تفاوت‌هایی بین شیوه‌های زندگی محیط‌های شهری و حومه‌ای وجود دارد که بعد از الگوهای رفتاری، که بر اساس ویژگی‌های مقیمان تحلیل شده‌اند، باقی می‌مانند و بنابراین، بایستی به جنبه‌های محیطی نسبت داده شوند. آن‌جاست که مشخص می‌شود شهر و حومه تا چه اندازه در تبیین شیوه‌های زندگی به‌عنوان متغیرهای مستقل عمل خواهند کرد». او معتقد است که این تحلیل ممکن است به آشتی‌دادن دیدگاه اکولوژیکی با دیدگاه رفتاری و فرهنگی کمک کند و به تضادها پایان بخشد (همان: ۱۱٤-۹۹). با وجود توجه گنز به عوامل محیطی، او این تحلیل را وقتی ضروری می‌شمارد که ویژگی‌ها قادر به تبیین شیوه‌های زندگی نباشند.

در مجموع، می‌توان گفت که در رویکرد ترکیبی، شهر دربردارندهٔ شیوهٔ زندگی خاصی نیست و برعکس رویکرد جبرگرایی، حلقه‌های روابط صمیمانه و پیوندهای عاطفی در شهر وجود دارد. شیوه‌های مختلف زندگی در بین شهرنشینان متأثر از ویژگی‌هایی نظیر طبقه، سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلی، قومیت، نژاد و نوع شغل است.

۲-۳. رویکرد خرده‌فرهنگی

صاحب‌نظر اصلی دیدگاه خرده‌فرهنگی کلود فیشر است که در مقالهٔ خود تحت عنوان «به سوی تئوری خرده‌فرهنگی شهرگرایی» (۱۹۷۵) ادعا می‌کند در حالی‌که بیشتر تفاوت‌های موجود در بین افراد در کلان‌شهر به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده، سهم ویژهٔ رفتار

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

در بین افراد بر اساس محل سکونتشان متفاوت است. یعنی به دلیل اندازهٔ جمعیت شهر، ساکنان شهر بزرگ فرصت دارند به شیوه‌هایی عمل کنند که ساکنان روستا معمولاً آن را به‌سختی می‌یابند. براساس دیدگاه خرده‌فرهنگی در زندگی شهری، ساکنان شهر برای برقراری رابطه با افراد متنوع‌تر، از کسانی که در مکان‌های با جمعیت کمتری زندگی می‌کنند فرصت بیشتری دارند. این روابط یا شبکه‌هاست که تفاوت در شیوهٔ زندگی مشاهده شده بین ساکنان شهر و ساکنان روستا را تداوم می‌بخشد. بنابراین، در دیدگاه فیشر، تنوع خرده‌فرهنگی شهرها به‌واسطهٔ اندازهٔ جمعیت زیاد، تفاوت‌هایی را در بین رفتارهای شهری و روستایی به‌وجود می‌آورد (گاتینر و هاچیسان، ۲۰۰٦: ۱۸٤). فیشر بر این اعتقاد است که گرچه عوامل اکولوژیک، ویژگی‌های خرده‌فرهنگی را شاخص‌تر می‌نمایند، این به معنای خلق فقط یک نوع خاص و منحصر از انسان در شهرها نیست (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹: ۲۱۲-۲۱۱). بنابراین، شهرگرایی بزرگ‌مقیاس، به جای اینکه هرکسی را درون توده‌ای گمنام غرق کند، به رواج خرده‌فرهنگ‌های گوناگون گرایش دارد که یک شهر کوچک یا روستا اجازهٔ پیدایش چنین تنوع خرده‌فرهنگی را نمی‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۳: ٦۱۰). فیشر با اینکه معتقد است روابط اجتماعی در شهر در قالب خرده‌فرهنگ‌ها تقویت می‌شود، این موضوع را انکار نمی‌کند که شهرنشین باید بسیار بیش از روستایی بر ویژگی‌های ثانوی تکیه کند. به اعتقاد وی، شهرنشینان به دلیل وجود عوامل اکولوژیکی نه می‌توانند و نه می‌خواهند با هر کس که می‌بینند باب دوستی و ارتباط را بگشایند. شهرنشین خود را موظف می‌داند که هر وقت ضرورت ایجاب کند، تنها در مقابل عدهٔ خاصی واکنش نشان دهد و دیگران را فراموش نماید. به همین ترتیب، شهرنشین انسان پیچیده‌تری می‌شود؛ انواع مختلفی از افراد را می‌بیند؛ سخنان متنوع‌تری می‌شنود و خود را در وضعیت‌های جدید، عجیب و پیش‌بینی‌ناپذیر می‌یابد. همهٔ این‌ها، واکنش‌های حساب‌شده‌ای می‌خواهد و در نتیجه تفاوتی بنیادین و ماندنی بین ویژگی‌های انسان شهرنشین و آن کس که فقط زندگی در مناطق غیرشهری را تجربه کرده است ایجاد می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳٦۹: ۲۱۲).

۲-٤. چارچوب نظری تحقیق

مرور دیدگاه‌های نظری دربارهٔ شیوه‌های زندگی در حوزهٔ رفتارها و روابط اجتماعی در شهر نشان داد که در شهر فقط یک شیوهٔ زندگی خاص، یعنی شهرگرایی، وجود ندارد و شهر

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

دربردارندهٔ شیوه‌های مختلف زندگی از جمله شهرگرایی است. از آن‌جا که در تحقیق حاضر هدف بررسی شیوهٔ زندگی شهرگرایی است، تلاش شده که با تکیه بر دیدگاه جبرگرایی، که تأکید دارد شهر باعث شکل‌گیری شیوهٔ زندگی شهرگرایی می‌شود، ویژگی‌های شهرگرایی استخراج و با استفاده از آن وضعیت شهرگرایی توصیف شود که ممکن است مطابق با رویکرد جبرگرایی باشد یا ممکن است از میزان‌های متفاوتی برخوردار باشد و ادعای رویکرد ترکیبی را تأیید کند.

در جهت تبیین شیوهٔ زندگی شهری، مشاهده شد که هر کدام از رویکردهای سه‌گانه بر عوامل گوناگونی در تبیین شیوه‌های زندگی شهری تأکید دارند. دیدگاه جبرگرایی خود شهر را با توجه به ویژگی‌های آن در شکل‌گیری شیوهٔ زندگی خاص شهرگرایی مؤثر می‌داند. در مقابل، دیدگاه‌های ترکیبی و خرده‌فرهنگی بر این باورند که فقط یک شیوهٔ زندگی خاص در شهر وجود ندارد. در تحلیل چنین وضعیتی، رویکرد ترکیبی بر ویژگی‌های ترکیبی نظیر طبقه، نژاد، قومیت، جنسیت، سن، وضعیت تحصیلی، وضعیت تأهل، درآمد و نوع شغل تأکید دارد. رویکرد خرده‌فرهنگی نیز این ویژگی‌ها را مؤثر دانسته، اما متغیرهای اکولوژیکی را نیز وارد تحلیل کرده و بر این نظر است که متغیرهای اکولوژیکی، نظیر جمعیت زیاد، به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها بر اساس ویژگی‌های افراد می‌انجامد و بنابراین، بین شیوه‌های زندگی شهر و روستا از این لحاظ تفاوت وجود دارد. اگرچه دیدگاه ترکیبی به متغیرهای بیشتری در تبیین و تحلیل شیوه‌های زندگی در شهر توجه کرده است و تحلیل کامل‌تری را نسبت به جبرگرایان ارائه می‌دهد، بی‌توجهی به خود مکان شهر باعث می‌شود که تحلیل ترکیب‌گرایان نقص داشته باشد. هرچند که انتقادات زیادی به تحلیل جبرگرایان به‌ویژه ورت وارد شده که از جملهٔ آن‌ها می‌توان به دیدگاه‌های ترکیبی و خرده‌فرهنگی اشاره کرد، در تحلیل شیوه‌های زندگی در شهر نمی‌توان از کنار نقش خود شهر به‌راحتی گذشت. ظریف اینکه تحقیقات فیشر نشان می‌دهد که حتی در زمینهٔ ایجاد روابط صمیمی در قالب خرده‌فرهنگ‌ها، متغیرهای اکولوژیکی نقش دارند. علاوه بر این، وی اظهار می‌کند که شهرنشین به دلیل عوامل اکولوژیکی باید بسیار بیش از روستایی بر ویژگی‌های ثانوی تکیه نماید. با این همه، می‌توان گفت که شهر دارای ویژگی‌هایی نظیر انبوهی جمعیت، ناهمگونی، تحرک، تقسیم کار پیچیده و اقتصاد پولی است و در نتیجه این ویژگی‌ها شهر را از مناطق غیرشهری جدا می‌کنند و به تبع آن نوع روابط و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

شیوهٔ زندگی نیز متفاوت می‌شود؛ یعنی اگر روابط و حلقه‌های صمیمی نیز، مثل روابط همسایگی قوی و رابطهٔ خویشاوندی، وجود دارد، این روابط با روابط موجود در مکان‌های غیرشهری متفاوت است.

با توجه به دیدگاه‌های نظری و مطالعات تجربی ارائه‌شده می‌توان گفت که هم خود شهر با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، و هم خصوصیات افراد در تبیین شیوه‌های زندگی در شهر نقش دارند. بنابراین، همهٔ دیدگاه‌ها قادر به تبیین بخشی از شهرگرایی هستند و ممکن است افراد شهرنشین دارای میزان شهرگرایی متفاوتی باشند، یعنی بعضی‌ها مانند جهان‌وطنان مورد نظر گنز دارای بی‌تفاوتی و حسابگری بالایی باشند و میزان شهرگرایی بالایی داشته باشند و بعضی‌ها مانند روستاییان شهری مورد نظر گنز دارای شهرگرایی پایینی باشند و این میزان متفاوت شهرگرایی شهرنشینان را می‌توان با ویژگی‌های آن‌ها در ارتباط قرار داد. به عبارتی می‌توان بیان کرد که افراد دارای ویژگی‌های مختلف در شهر تجربه‌های متفاوتی دارند. یعنی در بستر شهر و با توجه به ویژگی‌های افراد شهرنشین، افراد بر روی طیف شهرگرایی، در مکان‌های مختلفی قرار می‌گیرند.

در تحقیق حاضر، به منظور توصیف و تبیین وضعیت شهرگرایی در بین ساکنان شهر سردشت، از دو دیدگاه جبرگرایی و ترکیبی استفاده می‌شود؛ به این معنا که در ابتدا به منظور توصیف میزان شهرگرایی ساکنان شهر سردشت شاخص‌های مورد نظر را از دیدگاه جبرگرایی استخراج می‌کنیم؛ زیرا از منظر این دیدگاه، ساکنان شهری دارای شیوهٔ زندگی شهرگرایی هستند و شهرگرایی مدنظر آن‌ها ویژگی‌های متعددی دارد. از این رو، در این‌جا و با استفاده از این رویکرد، هدف اصلی فقط سنجش میزان شهرگرایی است. در ادامه، با استفاده از مرور نظری و تجربی، مشخص شد که در شهر، شیوهٔ زندگی شهرگرایی وجود دارد، اما میزان آن در همهٔ افراد یکسان نیست و بر اساس دیدگاه ترکیبی، بسته به ویژگی‌های افراد نظیر طبقه، نژاد، قومیت، جنسیت، سن، وضعیت تحصیلی، وضعیت تأهل، درآمد و نوع شغل میزان شهرگرایی متفاوت است؛ از این رو، با توجه به دیدگاه ترکیبی فرضیات ذیل در این مطالعه بررسی می‌شود. در واقع، مطالعهٔ حاضر عوامل و ویژگی‌های افراد و ارتباط آن با میزان شهرگرایی آن‌ها را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد و به نقش عوامل اکولوژیکی نپرداخته است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

۱. بین جنسیت و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ۲. بین سن و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ۳. بین وضعیت تأهل و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ٤. بین منشأ خانوادگی شهری یا روستایی و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ٥. بین سابقهٔ زندگی در روستا و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ٦. بین درآمد و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ۷. بین سطح تحصیلات و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ۸. بین منزلت شغلی و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد؛ ۹. بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

جهت بررسی تجربی فرضیات تحقیق و ارتباط آن‌ها با شهر سردشت، از روش تحقیق پیمایش استفاده شده است. ابتدا مفاهیم و فرضیات به معرف‌های قابل سنجش تبدیل و اعتبار و پایایی آن‌ها ارزیابی شده و سپس شیوهٔ گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها بیان شده است. در این تحقیق، برای سنجش میزان شهرگرایی افراد ساکن در شهر سردشت به‌عنوان متغیر وابسته، سه شاخص روابط ثانوی، عقلانیت و بی‌تفاوتی از میان شاخص‌های گوناگون شهرگرایی انتخاب شده‌اند؛ از ترکیب این سه شاخص، میزان شهرگرایی افراد به دست خواهد آمد.

روابط ثانوی مبتنی بر روابط شخصی، مستقیم، چهره به چهره و عاطفی و دور از قیود، که اصطلاحاً روابط نخستین خوانده می‌شود، نیست (ساروخانی، ۱۳۷۰: ٦٦٤). به منظور بررسی اینکه روابط بین افراد تا چه حد از نوع ثانوی است، روابط افراد با خویشاوندان، همسایگان و همچنین تعداد دوستان صمیمی بررسی شده است. لذا هرچه رفت و آمد بین افراد و تعداد دوستان صمیمی کمتر باشد، روابط بیشتر ثانوی است تا اولیه و بنابراین، روابط دارای ویژگی شهرگرایی است. بی‌تفاوتی یا دلزدگی مبتنی بر بی‌اعتنایی و بی‌توجهی فرد شهری نسبت به چیزهایی است که در اطرافش می‌گذرد. فرد شهری به زندگی دیگران و مشکلات آن‌ها بی‌تفاوت است و در کار کسی دخالت بی‌جا نمی‌کند. به منظور سنجش بی‌تفاوتی افراد از معرف‌های بی‌تفاوتی درگیری و دعوای بین افراد، بی‌توجهی به افراد هنگام عبور از خیابان، بی‌توجهی به اتفاقات محله و حساسیت به آن‌چه دیگران پشت سر فرد می‌گویند استفاده شده است. منظور از عقلانیت نوع خاص عقلانی بودن یا همان عقلانیت عملی است؛ به این معنا که افراد شهری بیشتر بر مبنای محاسبهٔ هزینه و فایده با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، فرد کاملاً

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

عقل‌گرا نوعی بی‌تفاوتی نسبت به پدیده‌ها دارد و روابط عاطفی و شخصی را کمتر در امور دخالت می‌دهد (سیمل، ۱۹۶۹: ٤٨). به منظور سنجش واکنش عقلانی افراد از معرف‌های دلسوزی برای گداها و کمک به آنان، درخواست طلب خود از دیگران و عدم احساس شرمندگی و تعارف، کمک به دیگران بدون چشم‌داشت منفعتی، دادن پول یا چیز ارزشمندی به افراد آشنا بدون گرفتن شاهد و سند و در رودربایستی قرار گرفتن هنگام سوار شدن تاکسی و حساب‌کردن کرایهٔ افراد آشنا استفاده شده است.

هریک از معرف‌ها به صورت گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت ارائه شده‌اند که به منظور سنجش شاخص‌ها به گویه‌های هر گزینه یک نمره اختصاص داده شد که از مجموع این نمرات، نمرهٔ پاسخ‌گو به دست می‌آید. از آن‌جا که نوع و وزن گویه‌ها با هم متفاوت است، به منظور یکدست کردن آن‌ها و سنجش هر شاخص و در نهایت ترکیب این شاخص‌ها با هم و سنجش میزان شهرگرایی افراد، نمرات هریک از گویه‌ها که به صورت خام بود، به نمرهٔ استاندارد تبدیل شد. جدول۱، اطلاعات بیشتری در خصوص نحوهٔ سنجش متغیر شهرگرایی ارائه کرده است.

جدول ۱. ماتریس عملیاتی متغیر وابسته (شهرگرایی)

ابعاد	معرف‌ها	گویه‌ها	گزینه‌های پاسخ
روابط ثانوی	روابط خویشاوندی	با افراد خانواده‌تان که جدا از شما زندگی می‌کنند تا چه حد رفت و آمد دارید؟	خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		با فامیل‌های نزدیک تا چه حد رفت و آمد دارید؟	خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
	روابط همسایگی	با چه تعداد از آن‌ها سلام و علیک گرم و صمیمی دارید؟	هیچ‌کدام، یکی، دوتا، سه‌تا، چهارتا، بیشتر و همه
		با چه تعداد از آن‌ها رفت و آمد خانوادگی دارید؟	هیچ‌کدام، یکی، دوتا، سه‌تا، چهارتا، بیشتر و همه
		تا چه حد در کوچه با آن‌ها جمع می‌شوید و گپ می‌زنید؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		چه تعداد از آن‌ها را به مراسم عروسی خانواده‌تان دعوت می‌کنید؟	هیچ‌کدام، یکی، دوتا، سه‌تا، چهارتا، بیشتر و همه
		در مراسم عزاداری چه تعداد از آن‌ها شرکت می‌کنید؟	هیچ‌کدام، یکی، دوتا، سه‌تا، چهارتا، بیشتر و همه

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

		در جشن عید فطر به چه تعداد از آن‌ها سر می‌زنید؟	هیچ‌کدام، یکی، دوتا، سه‌تا، چهارتا، بیشتر و همه
	روابط دوستی	تا چه حد دوست صمیمی در سطح شهر دارید؟	خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
بی‌تفاوتی	بی‌توجهی و دلزدگی	تا چه حد وقتی درگیری یا دعوایی بین افراد به وجود می‌آید، می‌روید که ببینید چه خبر است؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		تا چه حد برایتان مهم است از اتفاقاتی که در کوچه یا محله می‌گذرد با خبر شوید؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		نسبت به آن‌چه دیگران پشت سر شما می‌گویند، تا چه حد حساس هستید؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		هنگام گذر از خیابان تا چه حد توجه می‌کنید که چه کسانی از کنارتان می‌گذرند؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
عقلانیت	نبود روابط عاطفی و احساسی	هنگامی که گدایی از شما درخواست کمک می‌کند، تا چه حد دلتان به حالش می‌سوزد و به او کمک می‌کنید؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		تا چه حد درخواست طلبتان از دیگران یا چیز دیگری که به آن‌ها قرض داده‌اید، باعث ایجاد شرمندگی و تعارف در شما می‌شود؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		تا چه حد بدون آن‌که منفعتی داشته باشید، به دیگران کمک می‌کنید؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		تا چه حد به افرادی که با آن‌ها آشنایی دارید، بدون گرفتن شاهد یا سندی پول قرض می‌دهید؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد
		وقتی که با فرد آشنایی (مثل فامیل یا همسایه و...) سوار تاکسی می‌شوید، تا چه اندازه به خاطر این‌که پرداخت نکردن کرایهٔ آن‌ها کار زشتی است، کرایهٔ آن‌ها را هم حساب می‌کنید؟	اصلاً، خیلی‌کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی‌زیاد

به منظور ارزیابی اعتبار معرف‌ها، یعنی تناسب معرف‌ها با مفهوم مورد سنجش، از روش داوری اجتماع علمی و به منظور سنجش پایایی، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ سازگاری درونی پاسخ یک فرد به یک گویه را در مقایسه با هریک از

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

گویه‌های دیگر نشان می‌دهد. دامنهٔ آلفا بین صفر و صد است (دواس، ۱۳۸۳: ۲۵۳-۲۵۲). میزان آلفای کرونباخ هریک از شاخص‌ها در یک آزمون مقدماتی به ترتیب روابط ثانوی (۷۵)، عقلانیت (٥٤) و بی‌تفاوتی (٥٤) برآورد شد. جنسیت، سن، وضعیت تأهل، منشأ خانوادگی شهری یا روستایی، سابقهٔ زندگی در روستا، میزان درآمد، تحصیلات، منزلت شغلی و پایگاه اجتماعی اقتصادی متغیرهای مستقل این تحقیق هستند. منظور از درآمد افراد، متوسط درآمد ماهانهٔ خانوار است. برای سنجش منزلت شغلی با استفاده از جدول «ساختار پرستیژ شغلی در ایران» (نایبی و عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۲۲٦-۲۱۷) به هریک از مشاغل یک نمره از صفر تا صد داده شده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی از طریق ترکیب نمرهٔ منزلت شغلی، تحصیلات فرد و متوسط درآمد ماهیانهٔ خانوار اندازه‌گیری شده است. به منظور ترکیب نمرات سه متغیر و هم‌وزن کردن آن‌ها، هریک از نمرات سه متغیر به نمرهٔ استاندارد تبدیل شده است.

داده‌های این تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده است. واحد تحلیل فرد و همچنین واحد مشاهده نیز فرد است. جامعهٔ آماری این تحقیق افراد ۲۰ تا ٦۰ سالهٔ ساکن شهر سردشت هستند که تعداد آن‌ها براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران۱۸۸۵۱ نفر است.[1] حجم نمونه با استفاده از جدول حجم نمونهٔ دواس (۱۳۸۳: ۷۹) ۲۸۹ نفر تعیین شد. پاسخ‌گویان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای پنج‌مرحله‌ای ۱. محله (ده محله بر اساس طرح «ساماندهی، بهسازی و نوسازی بافت فرسودهٔ شهر سردشت، ۱۳۸۷»)،[2] ۲. بلوک، ۳. کوچه، ٤. منزل مسکونی و ٥. انتخاب فرد به قید قرعه از میان اعضای واجد شرایط خانوار و مایل به انجام مصاحبه) انتخاب شده‌اند. در مواردی که پاسخ‌گویان بی‌سواد بوده‌اند، مصاحبه به زبان کردی انجام شده است.

[1]. انتخاب این دامنهٔ سنی به این دلیل بوده که افرادی که در این دامنه قرار می‌گیرند، با سطوح مختلف زندگی شهری در ارتباط هستند. بنابراین، یافته‌های تحقیق فقط قابل تعمیم به این دامنه است.

[2]. در این طرح به منظور شناسایی بهتر بافت فرسوده و ساماندهی آن، سطح شهر سردشت به ده محله تقسیم شده که بافت فرسوده فقط در بخش‌هایی از محلات مذکور یافت می‌شود و فقط به محله‌بندی بافت فرسوده نپرداخته است. از این رو، الگوی مناسبی برای نمونه‌گیری محسوب می‌شود.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

٤. یافته‌های تحقیق

٤-١. شرح توصیفی

٤-١-١. متغیر وابسته

متغیر وابستهٔ این تحقیق شهرگرایی است که با شاخص‌های سه‌گانه، روابط ثانوی، بی‌تفاوتی و عقلانیت توصیف می‌شود.[1] در جدول ۲ توزیع فراوانی وضعیت پاسخ‌گویان در زمینهٔ روابط ثانوی نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی وضعیت روابط ثانوی پاسخ‌گویان

روابط ثانوی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پایین	۱۳۰	٤٥	٤٥	٤٥
متوسط	۱۲۸	٤٤/۳	٤٤/۳	۸۹
بالا	۳۱	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۰۰
کل	۲۸۹	۱۰۰	۱۰۰	-

تعداد پاسخ‌گویانی که روابط ثانوی آن‌ها بالاست نسبتاً اندک است و تعداد زیادی از پاسخ‌گویان دارای روابط ثانوی متوسط و پایین هستند. فراوانی پاسخ‌گویانی که روابط ثانوی آن‌ها در حالت متوسط قرار دارد نشان می‌دهد که تعداد زیادی از افراد روابطشان بین دو وضعیت اولیه و ثانوی قرار دارد. تعداد افراد دارای روابط ثانوی متوسط، تقریباً با افرادی که روابطشان از نوع اولیه (روابط ثانوی پایین) است برابر است. بر این اساس، می‌توان گفت که روابط افراد بیشتر از نوع اولیه است تا ثانوی.

در جدول ۳ توزیع فراوانی وضعیت بی‌تفاوتی پاسخ‌گویان ارائه شده است. بیشتر پاسخ‌گویان از لحاظ بی‌تفاوتی در حالت متوسط قرار دارند، یعنی میزان بی‌تفاوتی بیشتر افراد نسبت به آن‌چه در اطرافشان می‌گذرد نه بالاست و نه پایین و در حالتی متوسط قرار دارد. در

[1]. هریک از این متغیرها بر روی طیف ۰ تا ۱۰ قرار گرفته‌اند و مقدار آن‌ها از ۰ تا ۳/۳۳؛ پایین، ۳/۳۴ تا ۶/۶۷؛ متوسط و ۶/۶۸ تا ۱۰؛ بالا، رتبه‌بندی شده است. هدف از ارائه این قسمت این است که به این سؤال تحقیق پاسخ دهیم که میزان شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت در چه وضعیتی قرار دارد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

حدود یک‌چهارم پاسخ‌گویان دارای میزان بی‌تفاوتی بالایی هستند. فراوانی افـرادی کـه کمتـر بی‌تفاوت (دارای بی‌تفاوتی پایین) هستند نسبت به دو وضعیت دیگر کمتر است.

جدول ۳. توزیع فراوانی وضعیت بی‌تفاوتی پاسخ‌گویان

بی‌تفاوتی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پایین	۵۵	۱۹	۱۹	۱۹
متوسط	۱٦٤	٥٦/٧	٥٦/٧	٧٥/٨
بالا	۷۰	۲٤/۲	۲٤/۲	۱۰۰
کل	۲۸۹	۱۰۰	۱۰۰	–

در جدول ٤ توزیع فراوانی وضعیت عقلانیت پاسخ‌گویان در رفتارها و روابـط اجتمـاعی نـشان داده شده است. بیشتر پاسـخ‌گویـان در رفتارهـا و روابـط اجتمـاعی از میـزان رفتـار حـسابگرانهٔ (عقلانیت) پایینی برخوردار هـستند، یعنـی رفتارهـا و روابـط اجتمـاعی آن‌هـا بیـشتر بـر مبنـای احساسات و عواطف است تا بر مبنای عقلانیت عملی. فراوانی افرادی کـه از نظـر عقلانیـت در رفتارها و روابط اجتماعی در حالت متوسطی قرار دارند قابل توجـه اسـت، امـا در مجمـوع، بـا توجه به فراوانی اندک میزان عقلانیت بالا، اکثریت بـا افـرادی اسـت کـه در رفتارهـا و روابـط اجتماعی به صورت احساسی و عاطفی برخـورد مـی‌کننـد. اگرچـه ظـاهر ایـن دسـته از روابـط اجتماعی مبتنی بر احساسات و عاطفه است و منطقی به نظر نمی‌رسد، با توجه به کوچک بـودن محیط شهر سردشت، ممکن است عقلانیتی در پشت این نوع روابط نهفته باشد و فـرد از تـرس طردشدن از گروه، به چنین رفتارهایی اقدام کند.

جدول ٤. توزیع فراوانی وضعیت عقلانیت پاسخ‌گویان در رفتارها و روابط اجتماعی

عقلانیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پایین	۱۷۰	٥٨/٨	٥٨/٨	٥٨/٨
متوسط	۱۰۹	۳۷/۷	۳۷/۷	۹٦/٥
بالا	۱۰	۳/٥	۳/٥	۱۰۰
کل	۲۸۹	۱۰۰	۱۰۰	–

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

در جدول ۵ توزیع فراوانی وضعیت شهرگرایی پاسخ‌گویان ارائه شده است. میزان شهرگرایی بیشتر پاسخ‌گویان در وضعیت متوسطی قرار دارد، اگرچه میزان شهرگرایی پایین نیز فراوانی بالایی را به خود اختصاص داده است. فراوانی افراد دارای شهرگرایی بالا نسبت به دو وضعیت دیگر کمتر است و درصد اندکی را به خود اختصاص داده است. بنابراین، می‌توان گفت که میزان شهرگرایی شهرنشینان سردشت دارای وضعیت‌های متفاوتی است و تعداد افراد دارای شهرگرایی بالا اندک است و بیشتر افراد از نظر میزان شهرگرایی در حالت متوسطی قرار دارند که در بخش تحلیل تبیینی به بررسی میزان‌های متفاوت شهرگرایی افراد بر اساس ویژگی‌های آن‌ها خواهیم پرداخت.

جدول ۵. توزیع فراوانی وضعیت شهرگرایی پاسخگویان

شهرگرایی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پایین	۸۳	۲۸/۷	۲۸/۷	۲۸/۷
متوسط	۱۸۲	۶۳	۶۳	۹۱/۷
بالا	۲٤	۸/۳	۸/۳	۱۰۰
کل	۲۸۹	۱۰۰	۱۰۰	-

٤-۱-۲. متغیرهای مستقل

در این‌جا توصیف متغیرهای مستقل فرضیات فرعی تحقیق ارائه می‌شود. در فرضیهٔ اول، جنسیت به‌عنوان متغیر مستقل ذکر شده است. ٥٤ درصد پاسخ‌گویان زن و ٤٦ درصد آن‌ها مرد هستند. سن متغیر مستقل فرضیهٔ دوم است. کمترین سن پاسخ‌گویان ۲۰ و بیشترین سن آن‌ها ٦۰ سال است. میانگین سن پاسخ‌گویان ۳٤ سال و انحراف استاندارد آن ۱۱/۱۹ است. وضعیت تأهل متغیر مستقل فرضیهٔ سوم است. ۳۳/٦ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ٦٦/٤ درصد آن‌ها متأهل هستند. متغیر مستقل فرضیهٔ چهارم این است که خانوادهٔ پاسخ‌گویان در اصل دارای منشأ شهری هستند یا روستایی. منشأ خانوادگی ٦۳/۳ درصد پاسخ‌گویان روستایی و ۳٦/۷ درصد آن‌ها شهری است.

سابقهٔ زندگی در روستا متغیر مستقل فرضیهٔ پنجم است. ٦۱/۹ درصد پاسخ‌گویان دارای سابقهٔ زندگی دائمی در روستا نبوده‌اند و فقط ۳۸/۱ درصد پاسخ‌گویان در روستا زندگی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

کرده‌اند. میانگین سابقهٔ زندگی پاسخ‌گویان در روستا ١٤ سال و انحراف استاندارد آن ۹ است. کمترین سابقهٔ زندگی پاسخ‌گویان در روستا یک‌سال و بیشترین آن ۵۰ سال است.

میزان درآمد متغیر مستقل فرضیهٔ ششم است. میانگین متوسط درآمد ماهیانهٔ خانوار پاسخ‌گویان در حدود ۳۳٦۰۰۰ تومان (انحراف استاندارد آن ۱۹۳۱۱۲) و میانهٔ آن ۳۰۰۰۰۰ تومان است. کمترین متوسط درآمد ماهیانهٔ خانوار ۵۰۰۰۰ و بیشترین آن ۱۲۰۰۰۰۰ تومان است. سطح تحصیلات متغیر مستقل فرضیهٔ هفتم است. میزان تحصیلات پاسخ‌گویان از بی‌سواد تا کارشناس ارشد متغیر است. ١٤/۹ درصد پاسخ‌گویان بی‌سواد، ۲۳/۲ درصد زیر دیپلم، ۳٦/۳ درصد دیپلم، ۹/۳ درصد کاردانی، ۱۳/۸ درصد کارشناسی و ۲/٤ درصد آن‌ها کارشناسی ارشد هستند. منزلت شغلی پاسخ‌گویان متغیر مستقل فرضیهٔ هشتم است. برای تعیین منزلت شغلی پاسخ‌گویان در ابتدا از وضعیت اشتغال آن‌ها سؤال شده است و سپس، در صورتی که شاغل بوده‌اند، از آن‌ها خواسته شده که عنوان دقیق شغل خود را بیان کنند. ٤۰/۸ درصد پاسخ‌گویان شاغل، ٦/۹ درصد بیکار، ۹ درصد دانشجو، ۳۹/۱ درصد خانه‌دار، ٤/۱ درصد نیز جزء سایر هستند.

برای نشان‌دادن توزیع فراوانی منزلت شغلی افراد، مشاغل و جایگاه‌های مهم را در نه طبقهٔ منزلتی رتبه‌بندی کرده‌ایم که مشاغل پاسخ‌گویان این تحقیق فقط در سه طبقه (٤، ۵ و ٦) قرار می‌گیرد و بقیهٔ طبقات منزلتی مشاغل از فراوانی برخوردار نیستند. نُه طبقهٔ مذکور بر اساس اجماع مطلق و نسبی مردم در مورد منزلت هریک از مشاغل و جایگاه‌های اجتماعی به دست آمده است. در هنگام توضیحات تبیینی از نمرهٔ منزلت شغلی که بین صفر تا صد قرار می‌گیرد استفاده شده است نه از طبقهٔ منزلت شغلی. همچنان که ذکر شد، مشاغل پاسخ‌گویان این تحقیق فقط در سه طبقه از نه طبقهٔ مذکور قرار می‌گیرد؛ بر این اساس، مشاغل ۳۳/۹ درصد افراد در طبقه چهارم (مشاغلی نظیر دبیر دبیرستان، تاجر واردات و صادرات، معلم ابتدایی، دبیر راهنمایی و تاجر بازاری)، ٤۳/۲ درصد در طبقهٔ پنجم (مشاغلی نظیر حسابدار، کارمند ساده، نانوا، فرش‌فروش، تراشکار، تعمیرکار اتومبیل، خیاط، نجار، آرایشگر و خواروبار فروش) و ۲۲/۹ درصد در طبقهٔ ششم (مشاغلی نظیر کارگر ساختمانی، بنا و راننده) قرار می‌گیرد.

پایگاه اجتماعی اقتصادی متغیر مستقل فرضیهٔ نهم است. با توجه به اینکه پایگاه اجتماعی اقتصادی از ترکیب نمرهٔ منزلت شغلی، متوسط درآمد ماهیانهٔ خانوار و سطح تحصیلات به

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

دست آمده است، تعداد پاسخ‌گویانی که پایگاه اجتماعی اقتصادی آن‌ها محاسبه شده ۴۰/۸ درصد است، زیرا همچنان که قبلاً اشاره شد، فقط ۴۰/۸ درصد شاغل بودند و عنوان شغل خود را بیان کرده‌اند و بر اساس آن منزلت شغلی برای آن‌ها محاسبه شده است. بر این اساس، ۳۳/۹ درصد پاسخ‌گویان دارای پایگاه پایین، ۵۸/۵ درصد پایگاه متوسط و ۷/۶ درصد آن‌ها دارای پایگاه بالا هستند.

۴-۲. توضیحات تبیینی

در این‌جا به بررسی آزمون فرضیات تحقیق بر اساس تحلیل دو متغیره به منظور بررسی میزان تأثیر هریک از ویژگی‌های افراد در میزان شهرگرایی آن‌ها خواهیم پرداخت.

فرضیهٔ اول: بین جنسیت و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون تی استفاده می‌شود. نتایج حاصل از اجرای این آزمون نشان می‌دهد که میزان شهرگرایی زنان بیشتر از مردان است، اما تفاوت مشاهده‌شده معنی‌دار نیست و مربوط به همین نمونهٔ آماری و تعمیم‌ناپذیر است. با توجه به این نتایج فرضیهٔ تحقیق رد می‌شود. تفاوت اندک بین میانگین میزان شهرگرایی دو گروه و تعمیم‌ناپذیریِ آن نشان می‌دهد که جنسیت در میزان شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت عامل مؤثری نیست، یعنی میزان شهرگرایی مردان و زنان تفاوت معنی‌داری ندارد.

جدول ۶. رابطهٔ بین جنسیت و شهرگرایی

جنسیت	میانگین	تی	درجهٔ آزادی	سطح معنی‌داری
زن	۴/۳۵۸۰	۰/۷۷۶	۲۸۷	۰/۴۳۸
مرد	۴/۲۰۶۴			

فرضیهٔ دوم: بین سن و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود (مقدار آر پیرسون=۰/۲۲۱-، سطح معنی‌داری=۰/۰۰۰ و تعداد پاسخ‌گویان=۲۸۹). با توجه به مقدار آر پیرسون، بین سن و شهرگرایی رابطه‌ای کم و معکوس وجود دارد، یعنی با افزایش سن، میزان شهرگرایی افراد کم می‌شود و در نتیجه، با توجه به معنی‌دار بودن رابطه، فرضیه تأیید می‌شود. از این رو، سن عامل مؤثر و معنی‌داری در تبیین تغییرات میزان شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت به‌شمار می‌رود.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

فرضیهٔ سوم: بین وضعیت تأهل و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون تی استفاده می‌شود. با توجه به نتایج مشاهده‌شده در جدول ۷ میزان شهرگرایی افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل است، اما سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که این تفاوت معنی‌دار نیست و مربوط به همین نمونهٔ آماری و تعمیم‌ناپذیر است. بنابراین، می‌توان گفت که وضعیت تأهل نمی‌تواند در تبیین تغییرات میزان شهرگرایی ساکنان سردشت عامل مؤثر و معنی‌داری تلقی شود.

جدول ۷. بررسی رابطهٔ بین وضعیت تأهل و شهرگرایی

وضعیت تأهل	میانگین	تی	درجهٔ آزادی	سطح معنی‌داری
مجرد	٤/٣٥٦٥	٠/٤٩٨	٢٨٧	٠/٦١٩
متاهل	٤/٢٥٣٧			

فرضیهٔ چهارم: بین منشأ خانوادگی شهری یا روستایی و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون تی استفاده می‌شود. با توجه به نتایج مشاهده‌شده در جدول ۸ میزان شهرگرایی افراد دارای منشأ خانوادگی شهری بیشتر از افراد دارای منشأ خانوادگی روستایی است، اما همچنان‌که مشاهده می‌کنیم، این تفاوت معنی‌دار نیست و مربوط به همین نمونهٔ آماری و تعمیم‌ناپذیر است. بنابراین، منشأ خانوادگی شهری یا روستایی نمی‌تواند تغییرات شهرگرایی را به‌طور معنی‌داری تبیین کند.

جدول ۸. بررسی رابطهٔ بین منشأ خانوادگی شهری یا روستایی و شهرگرایی

منشأ	میانگین	تی	درجهٔ آزادی	سطح معنی‌داری
شهر	٤/٣٩٤٥	٠/٨٣٠	٢٨٧	٠/٤٠٧
روستا	٤/٢٢٦٧			

فرضیهٔ پنجم: بین سابقهٔ زندگی در روستا و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود (مقدار آر پیرسون=۰/۱۹۷-، سطح معنی‌داری=۰/۰۰۱ و تعداد پاسخ‌گویان=۲۸۹). می‌بینیم که رابطهٔ کم و معکوسی بین سابقهٔ زندگی در روستا و میزان شهرگرایی وجود دارد، یعنی هرچه سابقهٔ زندگی در روستا کمتر

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

باشد، میزان شهرگرایی بیشتر است. با توجه به سطح معنی‌داری فرضیه تأیید می‌شود. یعنی می‌توان گفت که هرچه افراد بیشتر در روستا زندگی کرده‌اند بیشتر به شیوه‌های زندگی روستایی پایبند هستند تا شهرگرایی.

فرضیهٔ ششم: بین درآمد و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود (مقدار آر پیرسون=۰/۰۲۰، سطح معنی‌داری=۰/۷۳۱ و تعداد پاسخ‌گویان=۲۸۹). می‌بینیم که بین درآمد و شهرگرایی همبستگی خیلی کم و مثبتی وجود دارد، اما سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار نیست و فقط در نمونهٔ آماری وجود دارد. در نتیجه میزان درآمد افراد قادر به تبیین تغییرات شهرگرایی نیست.

فرضیهٔ هفتم: بین سطح تحصیلات و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد (مقدار آر پیرسون=۰/۱۹۵، سطح معنی‌داری=۰/۰۰۱ و تعداد پاسخ‌گویان=۲۸۹). مشاهده می‌شود که بین تحصیلات و شهرگرایی همبستگی کم و مثبتی وجود دارد، یعنی هرچه میزان تحصیلات افراد بیشتر باشد، میزان شهرگرایی آن‌ها بیشتر است. با توجه به سطح معنی‌داری فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیهٔ هشتم: بین منزلت شغلی و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است (مقدار آر پیرسون=۰/۱۲٤، سطح معنی‌داری=۱۸۰ و تعداد پاسخ‌گویان=۱۱۸). مشاهده می‌شود بین منزلت شغلی و شهرگرایی همبستگی کم و مثبتی وجود دارد، یعنی هرچه منزلت شغلی افراد بیشتر باشد میزان شهرگرایی آن‌ها بیشتر است، اما از آن‌جا که این رابطه معنی‌دار نیست، فرضیه تأیید نمی‌شود؛ پس همبستگی موجود مربوط به نمونهٔ آماری است و تعمیم داده نمی‌شود. از این رو، منزلت شغلی نمی‌تواند تغییرات شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت را تبیین کند.

فرضیهٔ نهم: بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان شهرگرایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است (مقدار آر پیرسون=۰/۰۹٦، سطح معنی‌داری=۰/۳۰۳ و تعداد پاسخ‌گویان=۱۱۸). مشاهده می‌شود که بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و شهرگرایی رابطهٔ خیلی کم و مثبتی وجود دارد، یعنی با افزایش در میزان پایگاه اجتماعی اقتصادی بر میزان شهرگرایی افراد افزوده می‌شود، اما از آن‌جا که این رابطه معنی‌دار

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

نیست، این فرضیه رد می‌شود؛ در نتیجه پایگاه اجتماعی اقتصادی نمی‌تواند تغییرات شهرگرایی را در شهر سردشت تبیین کند.

۵. نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت شیوه‌های زندگی ساکنان شهر سردشت در بعد رفتارها و روابط اجتماعی بیشتر با شیوه‌های زندگی مدنظر ترکیب‌گرایان تطابق دارد تا جبرگرایان؛ به این معنا که در این شهر، ساکنان دارای وضعیت متفاوتی از نظر میزان شهرگرایی هستند و تعداد آن‌هایی که دارای شهرگرایی بالایی هستند کم است. البته در تحقیق حاضر بررسی شهرگرایی ساکنان شهر سردشت فقط در یک مقطع زمانی انجام گرفته و توصیف شده است و بررسی اینکه تا چه حد محیط شهر سردشت بر آن اثرگذار بوده، خود مستلزم مقایسه‌ای بین مناطق شهری و روستایی است.

بررسی فرضیه‌های تحقیق، که برگرفته از دیدگاه ترکیب‌گرایان بود، نشان داد که فقط رابطهٔ بین سابقهٔ زندگی در روستا، سن و تحصیلات با شهرگرایی تأیید می‌شود. بقیهٔ فرضیات تأیید نشد و متغیرهای مستقل آن‌ها رابطهٔ معنی‌داری با شهرگرایی نداشتند. متغیرهای مذکور واریانس اندکی را دربارهٔ شهرگرایی تبیین می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت که نقش اندکی در تبیین میزان تغییرات شهرگرایی دارند. با افزایش سن، شهرگرایی کمتر می‌شود و نسل‌های جوان‌تر بیشتر شهرگرا هستند. افرادی که سابقهٔ زندگی بیشتری در روستا دارند، کمتر شهرگرا هستند و می‌توان گفت که شیوهٔ زندگی روستایی هنوز بر این امر تأثیرگذار است. با افزایش سطح تحصیلات نیز بر میزان شهرگرایی افزوده خواهد شد، یعنی تحصیل‌کردگان، به‌ویژه شهرنشینان دارای تحصیلات عالی، شهرگراتر هستند.

هرچند همهٔ متغیرهای مستقل و وابسته از پراکندگی برخوردار بودند، همچنان‌که دیدیم، فقط بین سن، سابقهٔ زندگی در روستا و تحصیلات با شهرگرایی همبستگی وجود داشت و در مورد بقیهٔ متغیرها همبستگی مشاهده نشد. یعنی نظم خاصی در تغییرات آن دسته از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته وجود نداشت. بنابراین، میزان شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت فقط با تفاوت در سن، سابقهٔ زندگی در روستا و سطح تحصیلات تغییر می‌کند وگرنه جنسیت، وضعیت تأهل، اصالت خانوادگی شهری یا روستایی، میزان درآمد، منزلت شغلی و پایگاه

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

اجتماعی اقتصادی متفاوت شهرنشینان منجر به تفاوت معنی‌دار در میزان شهرگرایی آن‌ها نشده است. در این زمینه توجه به این نکته لازم است که افراد در متغیرهای درآمد، منزلت شغلی و پایگاه اجتماعی اقتصادی با هم تفاوت زیادی نداشتند. فاصلهٔ زیاد افراد در این متغیرها هم ممکن است تفاوت‌های شهرگرایی را تبیین کند، یعنی فاصلهٔ زیاد به تفاوت معنی‌دار در میزان شهرگرایی منجر شود. به‌طور کلی، می‌توان گفت پاسخ‌گویان در ویژگی‌های مذکور و سایر ویژگی‌های مرتبط، بیشتر به همدیگر مشابهت و نزدیکی دارند تا فاصله و شکاف معنی‌دار؛ در نتیجه شیوه‌های زندگی‌شان دارای تفاوت معنی‌دار نیست.

همچنان‌که دیدیم، متغیرهای تأثیرگذار و دارای رابطهٔ معنی‌دار با شهرگرایی اندک هستند و شدت روابط همبستگی‌های معنی‌دار هم چندان زیاد نبود و دیگر متغیرها هم فاقد همبستگی معنی‌دار با آن بودند. لذا، ذکر این نکته لازم است که ما فقط تعدادی از ویژگی‌های افراد را برای تبیین شهرگرایی مورد بررسی قرار دادیم، یعنی ممکن است تغییرات شهرگرایی به ویژگی‌هایی برگردد که ما در این‌جا آن‌ها را لحاظ نکرده‌ایم. نقش عواملی نظیر قومیت، دین‌داری، سابقهٔ خانوادگی و مواردی نظیر آن در تبیین تغییرات میزان شهرگرایی دارای اهمیت به‌سزایی است.

مباحثی که تا این‌جا در پاسخ به دیگر عوامل تبیین‌کنندهٔ میزان تغییرات شهرگرایی بدان پرداخته شد، با توجه به دیدگاه ترکیب‌گرایی مطرح شد؛ اما در این میان، توجه به دیدگاه جبرگرایی نیز دارای اهمیت است تا مشخص کند عوامل اکولوژیکی چه نقشی در تبیین شهرگرایی دارند. فرض ما بر این بود که در اثر روند رو به رشد شهرنشینی در شهر سردشت، شهرنشینان آن شهرگرا هستند و میزان شهرگرایی آن‌ها، بسته به ویژگی‌های ترکیبی، متفاوت است. همچنان که دیدیم، از دیدگاه جبرگرایان، شهرگرایی در بستر شهر به‌وجود می‌آید و این به دلیل عوامل اکولوژیک شهر است که باعث می‌شود شهرنشینان شیوهٔ زندگی خاصی داشته باشند. از نظر جبرگرایان، به‌ویژه ورت، هرچه بر میزان عوامل اکولوژیک شهر افزوده شود، خصوصیات مربوط به شهرگرایی بیشتر خواهد بود. بر این اساس، در شهر سردشت هرچند تا اندازهٔ زیادی متغیرهای اکولوژیکی شهر، نظیر افزایش و تراکم جمعیت، محرک‌های تأثیرگذار شهری مانند سروصداها، افزایش و تردد وسایل نقلیه و گروه‌های مختلف مردمی وجود دارد، پی‌بردن به این واقعیت که تا چه اندازه متغیرهای اکولوژیکی شهر و به عبارتی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

دیگر، محیط آن، در میزان شهرگرایی ساکنان شهر سردشت مؤثر بوده است، نیازمند بررسی مقایسه‌ای آن با محیط روستایی یا مناطق مختلف شهر با لحاظ کردن مقدار متغیرهای اکولوژیکی در سطح این مناطق است.

بررسی شیوهٔ زندگی در سردشت از منظر رویکرد خرده‌فرهنگی هم ممکن است بخشی از واقعیت شهرگرایی را تبیین کند. چون تحولاتی که اتفاق می‌افتد، مثل افزایش تحصیلات آکادمیکی و تأسیس دانشگاه و نیز افزایش نامتجانسی و روند روزافزون شهرنشینی ممکن است بستر ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها را تقویت کند که البته این موارد به‌عنوان فرضیه مطرح است و میزان واقعیت آن می‌تواند با استفاده از مطالعات تجربی مورد بررسی قرار گیرد.

در مجموع، باید تصریح کرد بررسی تجربی شهرگرایی نیازمند لحاظ کردن متغیرهای متعدد اکولوژیکی و ویژگی‌های ترکیبی با استفاده از روش‌های گوناگون تحقیقی است و در این صورت است که می‌توانیم به شناختی همه‌جانبه از شهرگرایی دست یابیم.

منابع

ایمان، محمدتقی و احمد محمدپور (۱۳۸۳) «فرآیند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی: مطالعهٔ موردی سردشت»، *نامهٔ انسان‌شناسی*، انجمن انسان‌شناسی ایران، دورهٔ اول، شماره پنجم، بهار و تابستان: ۳۹-۱۱.

بعلی، فؤاد (۱۳۸۲) *جامعه، دولت و شهرنشینی: تفکر جامعه‌شناختی ابن خلدون*، ترجمهٔ غلامرضا جمشیدی‌ها، تهران: دانشگاه تهران.

جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۷) «با نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی چگونه روبه‌رو شویم؟ با اشاره به چارچوب‌های نظری پایان‌نامه‌های دانشجویی»، *نامهٔ علوم اجتماعی*، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۳۳، بهار: ۱۳۰-۹۹.

حکیم‌زاده، فریدون (۱۳۸۳) *سردشت در آینهٔ اسناد تاریخی*، سردشت: مؤلف.

خضری، امیر (۱۳۸۵) تعیین مکان بهینه جهت گسترش کالبد شهر سردشت با توجه به محدودیت‌های جغرافیایی با استفاده از GIS و RS، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم تهران.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

دواس، دی. ای. (۱۳۸۳) *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمهٔ هوشنگ نایبی، چاپ پنجم، تهران: نی.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) *دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: سازمان کیهان.

ساوج، مایک و آلن وارد (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمهٔ ابوالقاسم پوررضا، تهران: سمت.

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی‌شهری*، تهران: سمت.

شکوئی، حسین (۱۳۷۳) *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، جلد اول، تهران: سمت.

صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳٦۹) «انسان و شهرنشینی»، *نامهٔ علوم اجتماعی*، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شمارهٔ یک (٤)، جلد دوم، زمستان: ۲۲٦-۱۹۸.

صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۱) طرح بررسی جامعه‌شناسی روابط همسایگی در شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

عبداله‌پور، جمال (۱۳۸۷) بررسی جامعه‌شناختی وضعیت شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

علی‌بابایی، یحیی (۱۳۸۳) جزوهٔ درسی کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نی.

فهر، رسول (۱۳۸٦) برنامه‌ریزی اسکان جمعیت شهر سردشت تا افق ۱٤۰۰، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران: نی.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.

ممتاز، فریده (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی شهر*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

مهندسین مشاور آمایشگران توسعهٔ متوازن (۱۳۸۷) طرح ساماندهی، بهسازی و نوسازی بافت فرسودهٔ شهر سردشت (مطالعات راهبردی)، جلد اول، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

نایبی، هوشنگ و حمید عبداللهیان (۱۳۸۱) «تبیین قشربندی اجتماعی»، *نامهٔ علوم اجتماعی*، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۲۰، پاییز و زمستان: ۲۳۶-۲۰۵.

نقدی، اسداله (۱۳۸۲) *درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری (انسان و شهر)*، همدان: فن‌آوران.

Caves, Roger W (2005) *Encyclopedia of The City*, London and New York: Routledge.

Fischer, C. S. (1975) "Toward a Sub-cultural Theory of Urbanism", *American Journal of Sociology*, 80: 1319-1341.

Flanagan, W. G. (1999) *Urban Sociology: Images and Structure*, New York: Allyn and Bacon.

Gans, Herbert G. (1969) "Urbanism and Suburbanism as Ways of Life", in R. E. Phal (ed), *Readings in Urban Sociology*, Oxford: Pergamon Press: 95-117.

Gottdiener, M. and L. Budd (2005) *Key Concepts in Urban Studies*, Second Edition, London, Thousan Oask and New Dehly: Sage Publication.

Gottdiener, M. and R. Hutchison (2006) *The New Urban Sociology*, Third Edition, Colorado: West View Press.

Gould, J. and W. L. Kolb (1964) *A Dictionary of the Social Sciences*, London: Tavistock Publication.

LeGate, Richard T. and Stout Frederic (2007) *The City Reader*, Forth Edition, London and New York: Rutledge.

Macionis, J. J . and V. N. Parrillo (2001) *Cities and Urban Life*, New York: Prentice Hall.

Park, R. E. (1969) "The City: Suggestions for The Investigation of Human Behavior in The Urban Invironment", in Richard Sennet (ed), *Classic Essays on The Culture of Cities*, New York: Meredith Corporation: 91-130.

Phal, R. E. (1969) "The Rural Urban Continuum", in R. E. Phal (ed), *Readings in Urban Sociology*, Oxford: Pergamon Press: 263-297.

Simmel, G. (1969) "The Metropolitan and Mental Life", in Richard Sennet (ed), *Classic Essays on The Culture of Cities* , New York: Meredith Corporation: 47-60.

Tonnies, F. (1887) *Community and Society*, Translated by P. Loomis. Michigan: Michigan University Press.

Wirth, L. (1938) "Urbanism as a Way of Life", *The American Journal of Sociology*, XLIV, 1: 1-24.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

Wirth, L. (1969) "Rural Urban Differences", in Richard Sennet (ed), *Classic Essays on The Culture of Cities*, New York: Meredith Corporation: 165-169.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.1.7]